



امکان تشریف نزد امام عصر وجود دارد؟/منتظر واقعی به تکلیف عمل میکند

بر همه لازم است که به جای دامن زدن به موضوع تشرفات و طرح حکایت‌هایی که گاه اساس محکمی هم ندارد، تلاش خود را متوجه اصل لزوم انتظار فرج، منتظر نگه داشتن مردم و یادآوری وظایف منتظران کنند.

بر همه لازم است که به جای دامن زدن به موضوع تشرفات و طرح حکایت‌هایی که گاه اساس محکمی هم ندارد، تلاش خود را متوجه اصل لزوم انتظار فرج، منتظر نگه داشتن مردم و یادآوری وظایف منتظران کنند.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر برشی از کتاب «معرفت امام زمان» اثر ابراهیم شفیع‌ی سروستانی است که در ادامه می‌خوانید؛

در سال‌های اخیر، توجه روزافزون اقشار مختلف جامعه به ویژه جوانان به موضوع مهدویت و انتظار، موجب رونق بازار کتاب‌ها و نشریه‌های مرتبط با این موضوع شده و هر از چند گاه کتاب یا نشریه جدیدی به این جرگه وارد می‌شود. پدیده یاد شده گرچه در جای خود بسیار مبارک و امیدوارکننده است، ولی بیم‌ها و نگرانی‌هایی را هم در پی دارد که بایسته است علمای حوزه، صاحب‌نظران مسائل اعتقادی و مسئولان فرهنگی کشور با حساسیت و دقت نظر بیشتری به این پدیده توجه کنند.

یکی از موضوع‌هایی که در این میان بسیار اهمیت دارد و نیازمند دقت و توجه بیشتری است، پرداختن افراطی به موضوع تشرفات و ملاقات با امام زمان (ع) است. متأسفانه موضوع یاد شده، این روزها دست‌رسمی بسیاری از کتاب‌ها و نشریه‌های نوظهور قرار گرفته است و نویسندگان و ناشران این قبیل کتاب‌ها و نشریه‌ها تلاش می‌کنند با داغ‌تر کردن فضای بحث و گفت‌وگو در این زمینه، مخاطب بیشتری جلب کنند و بر شمارگان کتاب‌ها و نشریه‌های خود بیفزایند.

با توجه به اهمیت موضوع یاد شده و به دلیل پرسش‌های فراوانی که دانشجویان، فرهنگیان و دیگر اقشار اجتماعی در این زمینه مطرح می‌کنند، به بررسی جنبه‌های مختلف این موضوع می‌پردازیم.

الف) امکان یا عدم امکان تشریف

امام مهدی (ع) در آخرین توقیعی که خطاب به چهارمین نایب خاص خود، علی بن محمد سمری، صادر کرد، فرمود: یا عَلِيُّ بْنَ مُحَمَّدِ السَّمَرِيِّ أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سَيِّئَةِ أَيَّامٍ قَاجَمَعِ أَمْرَكَ وَ لَأُتَوَصَّ إِلَى أَحَدٍ يَغُومُ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ، فَقَدْ وَقَعَتِ الْعَيْبَةُ الثَّانِيَةَ [الثَّامَةَ] فَلَا ظَهْرَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ ذَلِكَ بَعْدَ طَوْلِ الْأَمَدِ وَ قِسْوَةِ الْعُلُوبِ وَ أَمْتِلَاءِ الْأَرْضِ حُورًا وَ سَيِّئِي شِيعَتِي مَنْ يَدْعِي الْمَشَاهِدَةَ، أَلَا قَمَنَ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السَّفِيَانِي وَ الصَّبِيحَةِ فَهُوَ كَاذِبٌ مُفْتَرٌ. [۱]

ای علی بن محمد سمری، خداوند پاداش برادرانت را در مرگ تو بزرگ گرداند. تو تا شش روز دیگر می‌میری. پس کارت را سامان ده و به کسی به عنوان جانشین پس از خود، وصیت مکن که دیگر غیبت دوم [تامه] رخ داده است. دیگر ظهوری نیست، مگر به اذن خداوند و آن، پس از مدتی دراز و بعد از آنکه دل‌ها سخت شد و زمین از ستم پر شد، رخ خواهد داد. به زودی از شیعیانم، کسانی خواهند آمد که ادعای دیدار (مشاهده) مرا می‌کنند. آگاه باشید هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای دیدار مرا کرد، دروغ‌گو و افترازننده است.

این توقیع شریف، زمینه‌ساز بحث و گفت‌وگوهای فراوانی در زمینه امکان یا عدم امکان ملاقات حضرت مهدی (ع) در زمان غیبت شده و علمای شیعه را به اظهارنظر در این زمینه واداشته است. [۲] آنچه از مجموع این بحث و گفت‌وگوها برمی‌آید، این است که در اصل امکان ملاقات با آن حضرت تردیدی نیست و اینکه افراد زیادی در طول دوران غیبت کبری به این شرافت رسیده‌اند، گواه روشنی بر این مدعاست. با این حال، سخن در شرایط و ویژگی‌های آن است.

یکی از نکته‌هایی که همه علمای شیعه در این زمینه بر آن اتفاق نظر دارند، این است که در عصر غیبت کبری، باب نیابت و سفارت، به گونه‌ای که در مورد نایبان خاص آن حضرت و در دوران غیبت صغری وجود داشت، بسته شده است. از این رو، هیچکس نمی‌تواند ادعا کند که با آن حضرت در ارتباط است و هر زمان اراده کند، می‌تواند با ایشان ملاقات

کند یا به طور خاص از سوی ایشان نیابت یافته است که اموری را به انجام رساند یا دستورهای را به مردم ابلاغ کند.

نکته دیگری که بسیاری از علمای شیعه در کتاب‌ها و آثار خود به آن اشاره کرده‌اند، این است که ملاقات با امام زمان (ع) مستلزم شایستگی‌های ویژه‌ای است که حتی بسیاری از بزرگان به آن دست نیافتند و گروهی هم که به این توفیق دست یافتند، با تلاش‌های فراوانی بوده است.

آیت‌rلم&؛ الله جوادی آملی در این زمینه می‌فرماید: امام (ع)، وحید دهر است. مثل شمس آسمان است. همان‌rلم&؛ طور که شما با دستتان نمی‌توانید به آفتاب برسید، نمی‌توانید به راحتی به امام برسید. [۳]

حضرت آیت الله ناصری نیز وجود «سنخیت» را شرط لازم برای حصول تشریف دانسته است و می‌فرماید: تنها کسانی می‌توانند آن حضرت را ببینند و ایشان را بازشناسند که خود از بُعد مادی عالم خارج شده باشند و با آن حضرت که سلطان عالم مجردات هستند سنخیت برقرار کرده باشند. از این روست که «سنخیت» را نخستین و مهم‌ترین شرط برای حصول تشریف می‌دانیم.... دو شیء تنها به این شرط می‌توانند به هم منضم شوند و پیوستگی یابند که از سنخیت نسبت به یکدیگر بهره‌مند باشند. حال اگر کسی سنخیت با عالم ماده و مادیات داشته باشند، نمی‌تواند هم‌rلم&؛ سنخ عالم مجردات باشد و با فرشتگان و برتر از آنان، حضرت ولی‌rلم&؛ عصر (ع) ارتباط برقرار کند. [۴]

ایشان در ادامه سخنان خود، پیراستن نفس از رذیل اخلاقی (تخلیه) و آراسته شدن به صفات پسندیده (تحلیه) را تنها راه ایجاد سنخیت می‌دانند: تخلیه نفس از رذائل اخلاقی و تخلیه آن به صفات پسندیده، تنها راه ایجاد سنخیت و زان پس تشریف یافتن به محضر آن حضرت است؛ چه، مادام که نفس انسان از صفات رذیله تخلیه نشود و به صفات حمیده آذین نبندد، حجاب‌های نفسانی مانع از دیدن خورشید وجود آن حضرت است. [۵]

با توجه به آنچه گفته شد، باید بسیار مراقب بود که در طرح موضوع ملاقات با امام زمان (ع) به گونه‌ای رفتار نکنیم که مردم گمان کنند هر کس می‌تواند ادعای رؤیت کند و هر ادعایی را هم به راحتی می‌توان پذیرفت.

(ب) دسته‌rلم&؛ بندی تشریفات

یکی از موضوع‌هایی که در این زمینه باید بدان توجه داشت، این است که آیا همه کسانی که ادعا می‌کنند با امام زمان (ع) ملاقات کرده‌اند، به راستی شخص آن حضرت و وجود واقعی ایشان را دیده‌اند یا احتمال‌های دیگری در این میان وجود دارد؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت احتمال‌ها و فرض‌های مختلفی در این زمینه مطرح است و هرگز نمی‌توان ادعا کرد که همه مدعیان رؤیت امام مهدی (ع) به واقع آن حضرت را دیده‌اند.

حضرت آیت الله جوادی آملی در زمینه دسته‌rلم&؛ بندی کسانی که موفق به دیدار امام زمان (ع) شده‌اند، می‌فرماید: خیلی از موارد است که انسان بیمار دارد، شفا پیدا می‌کند یا گم شده‌ای دارد، پیدا می‌کند، اما آیا اینها به وسیله شخص حضرت است یا اولیای فراوانی که زیر نظر حضرت هستند و یا شاگردان فراوانی که حضرت دارد؟ یا اینکه یکی از اولیای خود را اعزام می‌کند؟ هیچ برهانی بر مسئله نیست که مثلاً آن کسی که شخص گم‌rلم&؛ شده را به منزل می‌رساند یا مشکل کسی را حل می‌کند، شخص حضرت باشد. اولیای فراوانی در خدمت و تحت تدبیر حضرت هستند. حضرت ممکن است به یکی از اینها دستور داده باشند و آن مشکل حل شود. در بعضی از موارد، آن تمثلات نفسانی را انسان مشاهده می‌کند و خیال می‌کند واقعیت است. این بخش اول که مشهود است تمثلات نفسانی بوده، باید از واقعیت‌rلم&؛ بینی جدا شود.

در بخش دوم که حقیقتاً کسی را می‌بیند و مشکل او حل می‌شود یا شفای مرضی بوده یا گم شده‌ای را به مقصد می‌رساند، در اینجا نیز هیچ برهانی ندارد که حضرت باشد یا شاگردی از شاگردان او. حضرت، شاگردان فراوانی دارد. این سیصد و سیزده نفری که هستند، الآن ممکن است افراد فراوانی باشند که تحت تدبیر آن حضرت، مأموریت‌هایی را انجام می‌دهند.

بخش سوم آن است که نظیر مرحوم بحرالعلوم خدمت خود حضرت می‌رسد. این را هم بعضی منکر هستند، [ولی] این هیچ استبعادی ندارد، بلکه امکان هم دارد. اما در این بخش دو مسئله وجود دارد: یک، فرد حق ندارد بگوید من خدمت حضرت رسیده‌ام؛ دو، ما حق نداریم قبول کنیم. به ما گفته‌اند که شما تکذیب کنید؛ یعنی نگویید او دروغ می‌گوید، بلکه

اثر عملی بار نکنید. تکذیب به معنای اینکه شما دروغ می گوئید و حضرت غیرقابل دیدن است، نیست. [۶]

حضرت آیت الله ناصری نیز در این باره می فرماید: بسیاری از کسانی که ادّعیای تشرّف به محضر آن حضرت را داشته اند و گاه واقعا از فیض آن حضرت نیز برخوردار شده اند، نه ایشان که یکی از یاران خاص ایشان را زیارت کرده اند؛ چه، همواره پنج گروه از اولیا در محضر آن ولیّ مطلق به سر می برند و در خدمت ایشان از جان و دل می کوشند. اینان اوتاد، نجباء، نقباء، رجال الغیب و صلحا هستند که اگرچه از جنس دیگر مردمانند، به مراتبی از تهذیب نفس و جلای باطن نائل شده اند که می توانند در محضر آن حضرت به سر برند. طرفه آنکه غیر از طبقه صلحاء، گویا بقیّه این طبقات دارای تشرّف اختیاری هستند و می توانند در هر لحظه ای که طلب کنند، به محضر ایشان بار یابند.

اگرچه شماره اینان به درستی بر ما معلوم نیست، گویا جمعیت حاضر در محضر آن حضرت، بیش از پانصد نفر هستند. اینان دائما در فرمان آن حضرتند و حوائج شیعیان و محبّان ایشان را به فرمان آن حضرت روا می دارند. از این روست که شماری از کسانی که ادّعیای تشرّف به محضر آن حضرت را دارند، هر چند واقعا مورد نظر و فیض خاص آن حضرت واقع شده اند، اما نه خود ایشان که یکی از یاران خاص ایشان را زیارت کرده اند، اما با اصرار مدّعی می شوند که خود آن حضرت را دیده اند. باید از اینان پرسید: آیا پیش از این ایشان را دیده اند که از چگونگی چهره ایشان آگاه باشند تا بتوانند آن حضرت را باز شناسند؟

یاران آن حضرت و به ویژه طبقه رجال الغیب، همواره به امر آن حضرت به میان مردم رفت و شد می کنند و حوائج آنان را برطرف می سازند. بدین ترتیب، اگر کسی با یکی از مردان الهی روبرو شد که پس از انجام حوائج مادّی و یا معنوی او، از دیده نهان گشت، نباید بپندارد که خود آن حضرت را دیده است؛ چه بسا یکی از یاران خاص آن حضرت که سر در فرمان ایشان دارند را دیده است. [۷]

با توجه به مطالب یاد شده، نباید هر عنایتی را که از سوی امام زمان (ع) به شخصی می شود و هرگونه گره و گشایی را که از سوی آن حضرت صورت می گیرد، به حساب ملاقات یا تشرّف گذاشت. همچنین نباید هر ادّعیای تشرّفی را به سادگی پذیرفت و بر گفته های مدّعی مهر تأیید زد.

ج) آسیب های دامن زدن به موضوع تشرفات

امروزه شاهد هستیم که گروهی از نویسندگان، سخنرانان و گردانندگان محافل و مجالس مذهبی برای جلب توجه عوام و جذب هر چه بیشتر آنها به مباحث مهدوی، با به فراموشی سپردن فلسفه واقعی انتظار و کارکردهای اجتماعی آن، مردم را صرفا به نقل خواب و رؤیا و حکایت های ضعیف و بی اساس مشغول داشته و با بستن باب هرگونه تعقل و تدبّر در معارف مهدوی، برداشت های سطحی خود از روایات را ملاک تحلیل و بررسی پدیده ظهور قرار داده اند.

سخنرانی ها و آثار مکتوب منتشر شده این گروه، مخاطبان جوان خود را از رسالت سنگینی که در برابر حجت خدا، حضرت صاحب الامر (ع) و مسئولیت بزرگی که در برابر اجتماع خود دارند، غافل می سازد و آنان را به این اندیشه وا می دارد که تنها باید در خلوت در جستجوی امام غایب کوشید و با به دست آوردن ادعیه، توسلات و ختوماتی، راهی برای تشرّف خدمت آن حضرت پیدا کرد. [۸] چه بسا اگر این قبیل افراد به آرزوی خود دست نیابند و راهی برای ملاقات با امامشان پیدا نکنند، دل زده و ناامید و به طور کلی از فرهنگ مهدوی رویگردان شوند.

خطر دیگری که این قبیل سخنرانی ها و آثار دارد، این است که اعتقاد به امام مهدی (ع) را نزد کسانی که هنوز به حقایق شیعه و عمق اندیشه مهدوی پی نبرده اند، اعتقادی موهوم و آمیخته با خرافه جلوه می دهد.

با توجه به این آسیب ها است که مراجع عظیم الشان تقلید و علمای حوزه، افراد را از دامن زدن به این مباحث برحذر داشته اند و همه را به پرداختن بیشتر به مباحث اعتقادی و معارف اصیل و حقیقی دین دعوت می کنند.

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره) در این زمینه می فرماید: باید همه باور نمائیم که آن حجت خدا، نظاره و آثار اعمال ماست. باید بدانیم مهم ترین مسئله مورد نظر ایشان، مسائل اعتقادی و عملی است و از این جهت، لازم است هرچه بیشتر در رابطه با مسائل واقعی اسلام ساعی و کوشا باشیم و از خرافات و دروغ و گویی و خواب های بی اساس و ادعاهای واهی پرهیز کنیم و بدانیم که این امور غیرواقعی، چهره اسلام و شیعه را مشوه و زبان طعن دشمنان را می گشاید. باید واقعیت ها و معارف اصیل و حقیقی را که دین ما مشحون از آنهاست، بیاموزیم. [۹]

بیان آیت rlm&؛ الله جوادی آملی نیز در این زمینه راه گشاست. ایشان می فرماید: می بایست پژوهشگران و محققان بسیار ژرف rlm&؛ اندیشی داشته باشید تا آنچه را درباره وجود مبارک حضرت (ع) است، از هم تفکیک کنید. باید مدعیان رؤیت، بساطشان را جمع کنید، چون افراد به شدت به حضرت علاقه rlm&؛ مند و ارادتمندند، اگر کسی ادعای رؤیت کند و ظاهرالصلاح هم باشد، ممکن است مقبول قرار بگیرد و این مشکلات فراوانی rlm&؛ دارد. [۱۰]

آیت الله ناصری نیز با توجه به پی آمدهای نامناسب دامن زدن به موضوع تشرفات در جامعه، تکذیب مدعیان تشریف به محضر امام عصر (ع) را ضروری دانسته است و می فرماید: اگر کسی ادعای تشرّف به محضر آن حضرت کرد، وظیفه شرعی همه مسلمین است که او را تکذیب کنند و از این سخنان باز دارند. آنچه امروزه در جامعه ما شایع شده که هر از چند گاه کسی ادعای تشرّف و حتّی نیابت می کند، وظیفه ما را در این رابطه سنگین تر کرده است. گروهی خیال rlm&؛ پرداز و گروهی دیگر که مفاهیم مذهبی را وسیله اشتها خود کرده اند، امروزه در کارند تا مردم را به جای آنکه به آن حضرت بخوانند، به سوی خود بخوانند و به بهانه تشرّف و حتّی ارتباط دائمی، قلوب مردم را به سوی خود جذب کنند.

متأسفانه شماری از کسانی که بدون ارتباط با استاد، مداومت بر ذکرهای خاصی می کنند و پس از مدّتی دچار توهمات و خیالات عجیب می شوند نیز به چنین ادعاهایی دست می برند.

اینان بدون آنکه تحت نظر استاد فن قرار گیرند و با ملاحظه استعداد و توان خود به قرائت اذکار بپردازند، ذکر را انتخاب می کنند و بر عددی خاص از آن مداومت می نمایند و سرانجام همچون روان rlm&؛ پریشان به حالاتی عجیب مبتلا می شوند و در خیال خود ادعاهای عجیبی پیدا می کنند.

اینان، گاه مدّعی تشرّف به محضر آن حضرت و یا رؤیت جبرائیل و یا ورود به بهشت و سیر در عوالم آخرت وhellip؛ می شوند. و خطرناک تر آنکه در مراحل روانی سخت، این ادعاهای را به دیگران نیز منتقل می کنند و بدین ترتیب حتی خود را از سوی آن حضرت مأمور به انجام بعضی از کارها نشان می دهند.

گذشته از اینان، همیشه گروهی تجارت rlm&؛ پیشه هم در جوامع اسلامی حضور داشته اند که مفاهیم مذهبی و اعتقادات مردمان را وسیله کسب و تجارت خود قرار می داده اند. اینان با سوءاستفاده از قلب های ساده بعضی از معتقدان به مبنای تشیّع، خود را نایبان آن حضرت می خوانده اند و به وضوح از این rlm&؛ گونه اعتقادات انسان ها بهره برداری مادّی می کرده اند. از همین rlm&؛ روست که در احادیث اهل بیت، به وضوح مردم را از پذیرش سخن اینان بازداشته اند و تمامی کسانی که مدّعی تشرّف به محضر آن حضرت هستند را دروغ زن و عوام rlm&؛ فریب خوانده اند. [۱۱]

با توجه به آنچه بیان شد، بر همه گویندگان و نویسندگان لازم است که به جای دامن زدن به موضوع تشرفات و طرح حکایت هایی که گاه اساس محکمی هم ندارد، تلاش خود را متوجه اصل لزوم انتظار فرج، منتظر نگه داشتن مردم و یادآوری وظایف منتظران کنند.

(د) محوریت یا عدم محوریت تشرّف

نکته دیگری که در این زمینه اهمیت دارد، این است که آیا موضوع درخواست ملاقات با امام عصر (ع) و تشرّف خدمت ایشان، از موضوع های محوری مباحث مهدویت است یا خیر؟

با بررسی روایات مهدوی به دست می آید که آنچه بیش از هر موضوع دیگری در عصر غیبت اهمیت دارد، معرفت امام عصر (ع)، منتظر بودن و عمل به شرایط انتظار و تکالیف منتظران است، تا آنجا که به تعبیر روایات، حتی اصل درک زمان ظهور هم چندان موضوعیتی ندارد و مهم این است که شیعه منتظر در زمان غیبت، امام خود را به درستی بشناسد و به وظایف خود در برابر او به خوبی عمل کند. در این صورت، درست مانند کسی خواهد بود که زمان ظهور را درک کرده و با امام خود، همراه و هم داستان است.

برای روشن تر شدن این موضوع چند روایت را می آوریم: ابوبصیر می گوید به امام صادق (ع) عرض کردم: «جُعِلْتُ قَدَاكَ مَتَى الْقَرَجُ؟؛ فدایت شوم، این گشایش کی فرا می رسد؟» آن حضرت فرمود: یا ابا بصیر وَاَنْتَ مِمَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا؟ مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ قَقَدَ فَرَّجَ عَنَّهُ لِإِنْتِظَارِهِ. [۱۲] ای ابابصیر! آیا تو از آن گروهی که به دنبال دنیایند؟ هر کس این امر را بشناسد، به سبب انتظارش برای او گشایش حاصل می شود.

امام رضا (ع) نیز در پاسخ حسن بن جهم که از ایشان در مورد فرا رسیدن گشایش می پرسد، می فرماید: **أَوْلَسْتُ تَعْلَمُ أَنَّ إِيْتِظَارَ الْقَرْجِ مِنَ الْقَرْجِ؟** آیا تو نمی دانی که چشم به راه گشایش بودن، خود، [جزئی] از گشایش است؟ او در پاسخ می گوید: **«لَا أَدْرِي إِلَّا أَنْ تُعَلِّمَنِي؛** نمی دانم، مگر اینکه شما به من بیاموزید.» آن حضرت بار دیگر می فرماید: **«تَعَمَّ، إِيْتِظَارُ الْقَرْجِ مِنَ الْقَرْجِ؛** آری، انتظار گشایش، [جزئی] از گشایش است.» [۱۳]

براساس همین نگرش است که در روایت های متعددی تأکید شده است برای منتظران واقعی تفاوتی ندارد که ظهور را درک کنند یا نکنند؛ چون آنها در عصر غیبت نیز در خدمت امام زمان خویش هستند، چنان که در روایتی از امام صادق (ع) می خوانیم: **مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ وَ هُوَ مُنْتَظِرٌ لِهَذَا الْأَمْرِ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فَسْطَاطِهِ....** [۱۴] هر کس بمیرد در حالی که منتظر این امر باشد، همانند کسی است که با حضرت قائم (ع) و در خیمه اش باشد....

اگر کسی در عصر غیبت مؤمنانه زندگی کند، از بدی ها و زشتی ها دوری گزیند، خصال شایسته را پیشه خود سازد، وظایف و تکالیفی را که در صحنه حیات فردی و اجتماعی متوجه اوست، به درستی به جای آورد و در انتظار ظهور امامش نیز باشد، خداوند متعال، فرج و گشایش واقعی را که همان یافتن راه هدایت و رستگاری و رسیدن به سعادت و نیکوختی در دنیا و آخرت است، نصیب او می سازد. در این صورت، پیش افتادن و پس افتادن ظهور برای او هیچ تفاوتی نخواهد داشت و او در هر حال امام منتظر خویش را درمی یابد.

از این رو، می توان گفت برای منتظران واقعی آنچه بیش از هر موضوع دیگری اهمیت دارد، عمل به تکلیف و وظیفه در برابر امام عصر (ع) است و موضوع ملاقات با آن حضرت برای آنان در مرتبه بعدی قرار دارد.

ه) دیدن یا دیده شدن، کدام یک؟

در زمینه موضوع ملاقات با امام زمان (ع) باید توجه داشت که دیدن امام زمان (ع) به خودی خود نمی تواند فضیلت باشد، بلکه آنچه فضیلت است، رسیدن به مقام معرفت امام و بصیرت داشتن نسبت به جایگاه ایشان در هستی است.

حضرت آیت الله جوادی آملی در این زمینه می فرماید: در زمان پیامبر (ص) که مقامش بالاتر از همه ائمه است، کم نبودند کسانی که وجود مبارک حضرت را می دیدند، اما خدای سبحان درباره آنها در قرآن فرمود: **«وَوَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَ هُمْ لَا يُبْصِرُونَ؛** آنها را می بینی که به تو نگاه می کنند ولی تو را نمی بینند.» [۱۵] اهل نظرند ولی اهل بصیرت نیستند. اگر ما سعی کنیم وجود مبارک امام زمان (ع) ما را ببیند، هنر است.

در قرآن کریم آمده است: **خدا که به کلّ شیء بصیر است روز قیامت به یک عده نگاه نمی کند؛ «وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا يُزَكِّيهِمْ»** [۱۶] آن نگاه تشریفی را نسبت به عده ای اعمال نمی کند. اگر ما واقعاً در مسیر صحیح حرکت کنیم، حضرت ما را می بیند، و دیدن و نظر تشریفی ایشان برای ما شرف است وگرنه دیدن فیزیکی & خیلی کارساز نیست. همچنان که خیلی ها پیامبر اکرم (ص)، امیرمؤمنان (ع) و حضرت زهرا (س) را می دیدند، ولی بصیرت نداشتند. دیدن های تشریفی مهم است، نه نگاه صوری، البته گاهی همان نگاه صوری هم پدید می آید و انسان وجود حضرت را از نزدیک زیارت می کند و فیضی می برد و مشکل او هم به برکت حضرت از طرف ذات اقدس اله حل می شود، اما مهم همان دیدن از روی بصیرت است. [۱۷]

حضرت آیت الله ناصری در زمینه علاقه امام عصر (ع) برای دیدار شیعیان خود می فرماید: حضرت ولی عصر (ع) فیاض بالعرض هستند و اگر شرایط تشرّف در کسی فراهم شود، ایشان بخل نمی ورزند و فرد لایق را به حضور می پذیرند. گذشته از این، ایشان علاقه خاصی به شیعیان خود دارند و از این رو، خود در پی ملاقات اولیای خویشند؛ چه، دیدیم که وظیفه آن حضرت در دوران غیبت و نیز ظهور، رسانیدن موجودات به کمال لایق خود است و اگر موجودی آن چنان مراتب کمال را طی کند که گذر از مراتب بعدی منوط به تشرّف به محضر ایشان باشد، وظیفه آن حضرت اقتضا می کند که او را به حضور بپذیرند و در وادی کمال، راهنمای او باشند.

علاقه آن حضرت به شیعیانی که در مسیر تکامل گام برمی دارند، به گونه ای است که خود طالب ملاقات اینانند؛ چه، هیچ امری همچون تکامل انسان ها نمی تواند آن حضرت را شادمان سازد. [۱۸]

روحانی وارسته و پارسا حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمدتقی بهلول (ره) [۱۹] نیز در پاسخ به این پرسش که: **«چه وقت می شود به حضور آقا امام زمان ارواحنا فداه مشرف شد؟»** می فرماید: **با تقوا باشید؛ وقتی که بین شما و حضرت (ع) سنخیت باشد.**

سپس می فرماید: دیدن امام زمان (ع) روحی فداه مهم نیست، مهم این است که او ما را ببیند، خیلی ها هم علی (ع) را دیدند، اما دشمن او شدند. اگر کاری کردیم که نظر آنها را جلب کنیم، آن ارزش دارد. [۲۰]

با امید به آنکه از این پس، همه ما با دقت و وسواس بیشتری از موضوع ملاقات و تشرفات صحبت کنیم و مردم ما نیز با حساسیت بیشتری با کتاب ها و نشریاتی که به طرح افراطی این موضوع می پردازند، برخورد کنند. [۲۱]

پی نوشت:

[۱]. کتاب الغیبة (طوسی)، صص ۲۴۲ و ۲۴۳.

[۲]. ر. ک: هادی دانشور، مقاله «تشرفات بین نفی و اثبات»، مجله موعود، سال اول، ش ۱، ۳ و ۵، فروردین دی ۱۳۷۶.

[۳]. ر. ک: جوادی آملی، «این ماییم که غایبیم» متن سخنرانی، موعود، سال نهم، ش ۴۸، آبان ۱۳۸۳.

[۴]. آب حیات: مجموعه سخنرانی های حضرت آیت الله ناصری در مورد امام زمان (ع)، تدوین و گردآوری: مجید هادی؛ زاده، چاپ چهارم: قم، خُلق، ۱۳۸۶، صص ۳۴۶ و ۳۴۷.

[۵]. همان، ص ۳۵۰.

[۶]. «این ماییم که غایبیم» متن سخنرانی، موعود، سال نهم، ش ۴۸، آبان ۱۳۸۳.

[۷]. آب حیات، ص ۲۵۹.

[۸]. این سخن هرگز به معنای نفی فضیلت تشرف خدمت حضرت صاحب الامر (ع) و ملاقات ایشان نیست؛ زیرا اگر دیدار آن حضرت فضیلت نداشت، هرگز به ما سفارش نمی کردند که در هر بامداد و هنگام تجدید عهد با امام عصر (ع)، با خدای خود نجوا کنید که: «اللهم أرنی الطلعة الرشیدة؛ بار خدایا! آن چهره زیبای رشید را به من بنمای.» این سخن ناظر به دیدگاه هایی است که ملاقات با امام زمان (ع) و تلاش برای رسیدن به آن را اصلی ترین وظیفه منتظران می داند.

[۹]. افق حوزه: هفته نامه خبری حوزه های علمیه، سال چهارم، ش ۴۴، ۲۸ شهریور ۱۳۸۴.

[۱۰]. «این ماییم که غایبیم» متن سخنرانی، موعود، سال نهم، ش ۴۸، آبان ۱۳۸۳.

[۱۱]. آب حیات، صص ۳۵۷ و ۳۵۸.

[۱۲]. الکافی، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۳.

[۱۳]. کتاب الغیبة طوسی، ص ۲۷۶.

[۱۴]. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶، ح ۱۸.

[۱۵]. سوره اعراف (۷)، آیه ۱۹۸.

[۱۶]. سوره آل عمران (۳)، آیه ۷۷.

[۱۷]. عبدالله جوادی آملی، توصیه ها، پرسش ها و پاسخ ها در محضر حضرت آیت الله جوادی آملی، تنظیم و تدوین: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، چاپ سوم: معارف، ۱۳۸۵، صص ۱۶۹ و ۱۷۰.

[۱۸]. آب حیات، ص ۲۵۵.

[۱۹]. مقام معظم رهبری درباره شخصیت این مرد بزرگوار می فرماید: «نود سال از یک قرن عمر خود را به خدمت به مردم و عبادت خداوند گذرانید. زهد و وارستگی او، تحرک و تلاش بی وقفه پیکر نحیف او، ذهن روشن و فعال او، حافظه بی نظیر او، دهان همیشه صائم او، غذا و لباس و منش فقیرانه او، شجاعت و فصاحت و ویژگی های اخلاقی برجسته او، از این مؤمن صادق، انسانی استثنایی ساخته بود». افق حوزه: هفته rlm&؛ نامه خبری حوزه های علمیه، شماره ۴۱، دوشنبه ۱۷ مرداد ۱۳۸۲.

[۲۰]. عباس موسوی مطلق، ملکوتی خاک rlm&؛ نشین: سیری در زندگی حاج شیخ محمدتقی بهلول (ره)، چاپ اول: قم، هنارس، ۱۴۲۵ ه. ق، ص ۹۶.

[۲۱]. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر. ک: مرتضی آفاتهرانی، سودای روی دوست: راه کارهای عملی دیدار با حضرت ولی عصر (ع)، چاپ اول: قم، احمدیه، ۱۳۸۴؛ «دیدار امام زمان (ع)؛ هست ها و بایدها»، موعود، سال یازدهم، ش ۷۷، تیر ۱۳۸۶؛ علی rlm&؛ اکبر ذاکری، «ارتباط با امام زمان (ع) در عصر غیبت» مندرج در: چشم به راه مهدی (ع)، صص ۳۱-۱۰۴.